

توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاه‌ها

S.M. Moosakazemi Mohammadi, Ph.D
Geography Department-Payame-e-Noor University
e.mail: moosa_ka@pnu.ac.ir

Urban Sustainable Development: Concepts and Perspectives

Sustainability was perhaps the issue of the end of the 20th century. It has been largely popularized after releasing the Brundtland commission report on environment and development, and the definition of sustainable development in that. The concept of sustainable development was the core of the report and also the foundation for the 21 agenda. The objectives of sustainable development would be fulfilled at all levels of spatial organization. The urban level has attracted much attention because of the continuously growing concentration of people and economic activities in urban centers, especially in the developing countries.

At the urban level, the urban sustainable development is the principal concept. In the literature on this concept there are other issues that emerge from the thinking and working domain of the authors who use them. The concepts such as, eco-city, sustainable urbanization, sustainable city, urban sustainability, green city, and safe city are the concepts that appear from economic development perspectives, environmental perspectives and equality perspectives. In this article we review some of the research on these concepts and perspectives of urban sustainable development.

خلاصه

توسعه پایدار یکی از جامع ترین مفاهیم در همه زمان‌ها است. این مفهوم عنصر اصلی

راهکار ۲۱ است؛ سند چهل فصلی که به سال ۱۹۹۲ در نشست سران جهان در ریو مورد پذیرش قرار گرفت و در سطوح پایین سازمان فضایی جستجو می‌شود. اهداف توسعه پایدار (تأمین نیازهای اساسی، بهبود استانداردهای زندگی برای همه، حفاظت و مدیریت بهتر اکوسیستم‌ها) در همه سطوح سازمان فضایی (محلی، ملی، منطقه‌ای، و جهانی) اجرا می‌شود لیکن سطح شهری، به علت تمرکز پیوسته رو به رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، توجه بیشتری را جلب کرده است.

توسعه پایدار شهری Sustainable urban development که مفهوم اصلی در این سطح است، مفاهیم و دیدگاه‌هایی را در ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که برخاسته از حوزه فکری افرادی است که در این سطح تحقیق کرده‌اند. مفاهیمی همچون، شهر اکولوژیک، شهرنشینی پایدار، شهر پایدار، پایداری شهری، شهر سبز، شهر سالم برخاسته از دیدگاه‌های مختلف اقتصادی، زیست محیطی و رادیکال عدالت جو در اکولوژی اجتماعی هستند. این مقاله مروری است بر تحقیقاتی که در زمینه این مفاهیم و دیدگاه‌ها در توسعه پایدار شهری صورت گرفته‌اند.

مقدمه

ویژگی عصر ما شهرنشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است. شهرنشینی بیش از پنج هزار سال قدمت دارد. به سال ۱۹۰۰ میلادی از هر هشت نفر فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می‌کرده است (گیلبرت Gilbert و گاگلر Gugler ۱۳۷۵، ص. ۷). در سال ۱۹۵۰ جمعیت شهری جهان ۷۳۷ میلیون نفر یا ۲۹ درصد کل جهان بود. تا سال ۱۹۹۵ این میزان به ۲۶۰۳ میلیون یا ۴۵ درصد از کل جمعیت جهان افزایش یافته است. بنا بر برآوردها نواحی شهری در سال ۲۰۰۰، نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت جهان را مأوا و مسکن داده‌اند. طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۳۰، جمعیت نواحی شهری تا حدود ۳/۳ میلیارد نفر رشد خواهد کرد، که از این میزان ۹۰ درصد در نقاط شهری کشورهای در حال توسعه خواهند بود (Flood 1997 p. 1635).

همچنان‌که مهاجران در جستجوی کار، فرصت‌های بهتر یا فقط غذا و سرپناه، به مهاجرت به شهرها ادامه می‌دهند، ظرفیت زیرساخت‌های شهری اغلب در فشار قرار می‌گیرد و حتی

کاهش می‌یابد، وضع مساکن موجود بدتر و مساکن متراکم‌تر می‌شوند، فضای باز مورد تجاوز قرار می‌گیرد، خیابان‌ها متراکم می‌شوند، کیفیت هوا تنزل پیدا می‌کند، از ظرفیت تصفیه طبیعی زباله‌ها توسط رودها و کانال‌ها کاسته می‌گردد، منابع آب سطحی و زیرزمینی رو به کاهش می‌گذارد و آب‌ها آلوده می‌شوند و (Crane and Daniere 1996 p. 203).

با بروز ضایعات زیست محیطی و کاهش سطح عمومی زندگی مردم به‌ویژه در جوامع شهری طی یکی دو دهه گذشته، رهیافت توسعه پایدار به‌عنوان موضوع روز دهه آخر قرن بیستم از سوی سازمان ملل مطرح شد و به‌عنوان دستور کار قرن بیست و یکم Agenda در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی تعیین گردید (Roseland 1997, p. 1990). به عبارت دیگر، اصل پایداری در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه به‌عنوان هدفی کلی مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ هدفی که نهایت ندارد و مستمر است.

با توسعه شهرها و مطرح شدن اصل توسعه پایدار، توجه به اصل پایداری هرچه بیشتر مورد سؤال قرار می‌گیرد. مسایل و مشکلات موجود به‌ویژه در شهرها نشانگر عدم تحقق مشخصه‌های پایداری در آنها است. جغرافیای شهری در این وضعیت ابعاد و قلمروهای تازه‌ای می‌یابد و با بررسی مسایل مهم شهرهای جهان سوم، عدالت اجتماعی، کیفیت دسترسی مردم شهرها به نیازهای اساسی، حوزه‌های اجتماعی و غیره (شکویی ۱۳۷۳، صص ۹-۱۰)، ضمن ارزیابی و تحلیل فضایی و اکولوژیکی از مشخصه‌های پایداری در مناطق و حوزه‌های شهری، سعی دارد کمک کند تا محیط زیست شهری مناسبی برای ساکنان شهرها فراهم شود.

به علت تمرکز پیوسته رو به رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در مراکز شهری، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، پایداری توسعه شهری بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. ولی علی‌رغم مرکزیت شهرها در فرایند توسعه، مباحثات پیرامون شهر و پایداری تا حدود زیادی به‌صورت دو موضوع جدا از هم شکل گرفته اند (Drakakis-Smith 1996, p. III) طرح رویکرد توسعه پایدار و مطرح شدن اهداف آن، در برنامه ریزی و توسعه شهری تضادهایی به‌وجود آمده است. به عقیده کمپبل Campbell "برنامه‌ریزان، تصمیماتی دشوار پیرامون وظایف خود در خصوص حفاظت از شهر سبز green city، ترویج شهر رشد growing city از نظر اقتصادی و پایداری از عدالت اجتماعی و شهر عدالت just city پیش رو دارند." او ادامه می‌دهد، "تضاد

میان اهداف توسعه پایدار نه تضادهای سطحی برخاسته از ترجیح‌های شخصی هستند، نه تضادهای صرفاً مفهومی میان اندیشه‌های تجریدی منطق اکولوژیکی، اقتصادی و سیاسی، و نه مسأله‌ای نابهنگام که به واسطه هم‌آمیزی آگاهی زیست محیطی و رکود اقتصادی به وجود آمده باشند. این تضادها ریشه در تاریخ برنامه ریزی دارند" (Campbell 1996, p. 296).

در این مقاله به منظور بررسی چارچوب نظری توسعه پایدار شهری، مفاهیم و دیدگاه‌های مطرح شده در ادبیات مربوط به آن به طور کلی مورد بحث قرار می‌گیرد. مفاهیمی همچون، شهر اکولوژیکی، شهرنشینی پایدار، شهر پایدار، پایداری شهری، شهر سبز و شهر سالم.

پایداری، شهرنشینی و توسعه

قبل از دهه آخر قرن بیستم به ندرت بحثی از شهرنشینی با زمینه پایداری می‌شد و تنها به عنوان عاملی دارای سهم در مسائل زیست محیطی جهان مطرح بود. ردپای اکولوژیکی ecological footprints شهرها (اصطلاحی که واکرنگال Wackerngel و ریز Rees ۱۹۹۶، بر آن تأکید دارند) تأثیری شدید بر مناطق پیرامونی آنها داشته است و علی‌رغم مرکزیت شهرها در فرایند توسعه، مباحثه‌ها پیرامون شهرنشینی و پایداری تا حدود زیادی به صورت دو موضوع جدا از هم شکل گرفته‌اند. از طرف دیگر به خاطر نقش کلیدی که برای شهرها در رشد پایدار اقتصادی انتظار می‌رفته، از نظر برخی این رشد آن قدر با پایداری نزدیکی داشته که شهرها باید به آن برسند (Drakakis-Smith 1996, p. III). در خصوص شهرنشینی پایدار - در زمینه فقر، تأمین نیازهای اساسی، مدیریت شهری و لاجرم رشد اقتصادی - ادبیات گسترده‌ای وجود داشته و دارد، ولی به ندرت این اجزا در بحثی مفهومی پیرامون پایداری شهری یکجا و باهم آورده شده‌اند. در دهه ۱۹۹۰ این وضعیت اساساً تغییر یافته‌است. چند کتاب در پیرامون پایداری شهری نوشته شده و پایداری به سال ۱۹۹۶ یکی از موضوعات اصلی در کنفرانس دوم اسکان بوده است.

شهرنشینی پایدار sustainable urbanization

در تعریف این مفهوم، دراکاکیس اسمیت Drakakis-Smith ضمن متمایز نمودن آن با مفهوم

شهر پایدار (sustainable city) معتقد است که "در متن جهانی شدن globalisation بعید است شهر پایدار موضوع مستقلی باشد و سبک زندگی همراه با برخورداری در بسیاری از شهرهای جهان توسعه یافته، اغلب به هزینه کیفیت زندگی افراد بسیاری است که در جایی دیگر، اغلب در کشورهای در حال توسعه، کار و زندگی می‌کنند." او ادامه می‌دهد که "اساساً بحث پیرامون شهرنشینی پایدار - یک فرایند به جای یک پدیده - است. بنابراین، بایستی شهرنشینی پایدار را به عنوان یک فرایند تعریف کرد" (Drakakis-Smith 1996, pp. III-IV).

در چگونگی تعریف فرایند شهرنشینی پایدار، دراکاکیس اسمیت می‌گوید، "می‌توان اصول پذیرفته شده توسعه پایدار، یا در اصطلاح رفع نیازهای کنونی بدون محرومیت نسل‌های آینده، را مستقیماً قبول کرد و آنها را به عنوان چارچوبی برای مطالعه توسعه شهری و نیز شناسایی زمینه‌های مورد نظر به کار برد". گرچه ربرت سالو Robert Solow به تازگی بحث مهمی را در این زمینه مطرح کرده و معتقد است "ضرورت کاهش نابرابری‌های عصر حاضر به همان میزان (و احتمالاً بیشتر از) نگرانی درباره وضع نامطمئن نسل‌های آینده می‌باشد، و این که اقتصادهای پیشرفته جهان خواهان تفکر درباره عدالت و برابری نیستند زمانی که در خصوص منابع کنونی به کار برده شود" (Solow 1996, p. 16). و یا ترنر Turner معتقد است "تعداد کمی از ساکنان شهرهای مرفه جهان مایلند که سطح زندگی خود را به سطح زندگی شهرهای جهان سوم برسانند" (ترنر ۱۳۷۶، ص. ۱۸۲). مقیاس و دوام نابرابری، آسیب‌پذیری و فقر موجود در بسیاری از شهرهای معاصر در کشورهای در حال توسعه، هر کوشش در جهت تعریف شهرنشینی پایدار را ناگزیر می‌سازد به شرایط حاضر به همان میزان شرایط آینده وزن اساسی بدهد.

دراکاکیس اسمیت در تبیین شهرنشینی، پایداری، و توسعه می‌گوید: "درست است که از نظر برخی، مفهوم پایداری حفاظت و نگهداری دستامدهای موجود است، و این که اغلب این تفسیر از پایداری، در مورد شهرهای اروپایی، به ویژه مراکز تاریخی به کار می‌رود، ولی در متن فرایند شهرنشینی در جهان در حال توسعه، رفع نیازهای کنونی بایستی تداعی‌کننده تغییر قابل ملاحظه جهت اطمینان از این موضوع باشد که برابری، ثبات، و هماهنگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، آینده با ارزش پایدار شدن را می‌سازد" (Drakakis-Smith 1996, p. IV).

بنا بر عقیده درا کاکیس- اسمیت شهرنشینی پایدار در دو سطح تعریف می‌شود: سطح اول نوعی شیوه فلسفی کلی را نشان می‌دهد که در آن اهداف پایداری در یک محیط شهری به دست می‌آید. در این سطح است که شهر نه اجتماعی از عملکردها و ساختارها، بلکه مکانی است که مردم در آنجا سکونت دارند و یا در جستجوی زندگی بهتر، به آن مهاجرت می‌کنند. پایداری، در این زمینه مفهومی انسانی می‌یابد و به معنی آرزو و عزم دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف تلقی می‌شود که در آن خانوارها به همان اندازه سرمایه‌گذاران یا دولت‌ها بهره‌مند می‌گردند. در این سطح کلی، مدیریت پیگیری‌کننده پایداری در هر محیط شهری، باید پیش‌نیازهای زیر را برآورده نماید:

- برابری در توزیع منافع رشد اقتصادی؛

- دسترسی مناسب به نیازهای انسانی اساسی؛

- عدالت اجتماعی و حقوق انسانی؛

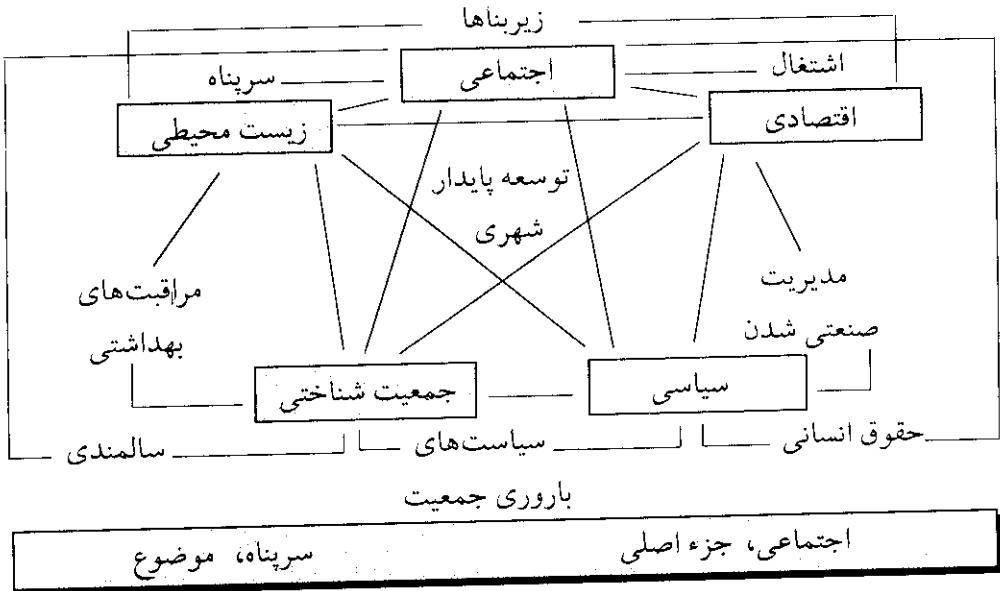
- افزایش آگاهی نسبت به محیط زیست و حفظ کلیت آن؛

- آگاهی از ارتباطها و تجلیات تغییرات در فضا و مکان.

این اهداف باهم ارتباط نزدیک دارند و تا آنجا که امکان دارد باید به‌طور جامع دنبال شوند. تأکید بر یکی، لزوماً به اصلاحات نهایی نمی‌انجامد. این موضوع به‌طور مشخص در خصوص اهداف زیست محیطی بیان می‌شود که در آنها وضع قانون و یا تشویق سرمایه‌گذاری‌ها یا خانوارها برای رفتاری مسئولانه‌تر، اثر ناچیزی خواهد داشت، اگر فقر زمینه‌ای که بر دیدگاه‌های ساکنان شهرها نسبت به محیط زیست اثر می‌گذارد، برطرف نشود. نوین‌سازی زیست محیطی، که در برخی کشورهای در حال توسعه آغاز شده، منعکس‌کننده راهکارهای نخبگان محلی، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بنگاه‌های بین‌المللی است. اولویت‌های موردنظر گروه‌های کم‌درآمد اغلب کاملاً متفاوت است که بیشتر به محیط بلافصل محل کار و زندگی آنان مربوط می‌شود.

سطح دوم یا خرد از تعریف پایداری، جهت شناسایی موضوعات یا اجزایی است که پیرامون آنها تحقیقات و سیاست‌گذاری‌ها انجام می‌شوند. شکل ۱ برخی از موضوعات سطح خرد را نشان می‌دهد که در چارچوب مفهوم کلی پایداری شهری مطرح می‌شوند. برای مثال،

در حوزه اقتصادی، توجه به نقش‌های منطقه‌ای، ملی، و جهانی شهر، اهمیت دارد. نقش بخش غیر رسمی در این محیط، کمکی تعیین کننده به مردم فقیر جهت کسب درآمد می‌کند، و به علاوه، در فعالیت اقتصادی و بخش خدمات انعطاف پدیدمی آورد (Drakakis-Smith 1996, pp. IV-VI).



شکل ۱ شهرنشینی پایدار: اجزای اصلی و موضوعات شاخص
 مأخذ: (Drakakis-Smith 1996, p. V)

پایداری شهری urban sustainability

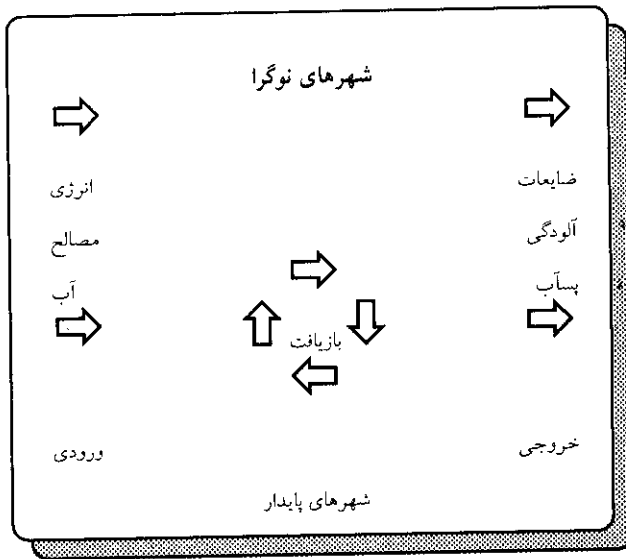
پایداری شهری مفهوم موازی دیگری است که در این زمینه توسط برخی از مؤلفان و از جمله خانم مک‌لارن Maclaren مطرح می‌شود. وی برای تعریف این مفهوم ابتدا آن را با توسعه پایدار شهری مقایسه می‌کند. او به نقل از ریچاردسون Richardson می‌نویسد: معنی این دو اصطلاح خیلی به هم نزدیک است و اغلب در ادبیات تحقیقی به جای هم به کار برده می‌شوند. او راه تمیز آنها از یکدیگر را در نظر داشتن مفهوم پایداری به عنوان تشریح‌کننده وضعیت یا

حالتی مطلوب، و یا مجموعه شرایطی دانسته که تداوم داشته باشد. در مقابل، واژه توسعه در اصطلاح توسعه پایدار شهری، فرایندی را تداعی می‌کند که به وسیله آن می‌توان به پایداری دست یافت (Maclaren 1996, p. 185).

از نظر مک‌لارن برخی مشخصات کلیدی پایداری شهری که غالباً در ادبیات موضوع و اسناد بیان می‌شوند عبارتند از: برابری بین نسلها intergenerational، برابری درون نسلها intragenerational (شامل، برابری اجتماعی، برابری جغرافیایی* و برابری در حکومت)، حفاظت از محیط طبیعی (و زندگی در چارچوب ظرفیت و تحمل آن)، استفاده حداقل از منابع تجدیدنشدنی، بقای اقتصادی economic vitality و تنوع، جامعه خود اتکا، رفاه فردی، و رفع نیازهای اساسی افراد جامعه. بحث زیادی در گروه‌های دانشگاهی، بین برنامه‌ریزان و دیگر سازمان‌های مرتبط در خصوص اهمیت نسبی هر یک از این مشخصات پایداری وجود دارد و حتی عدم توافق بر سر این مسأله وجود دارد که آیا همه آنها را باید در نظر گرفت، زمانی که اهداف اصلی پایداری به دست می‌آید (Maclaren 1996, p. 185).

به عقیده مک‌لارن، به لحاظ اهداف گزارش پایداری، تعریف واحد و بهتری از پایداری شهری وجود ندارد، چون جوامع مختلف احتمالاً کمی یا حتی در حد معنی داری، باید تصورات مختلف از پایداری شهری داشته باشند که به شرایط جاری زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و قضاوت‌های ارزشی جامعه آنها بستگی دارند. در نتیجه، مجموعه‌ای از شاخص‌های طرح شده برای سنجش پیشرفت در جهت دستیابی به اهداف کلی پایداری در هر جامعه، لزوماً نباید برای سنجش پیشرفت پایداری در جامعه‌ای دیگر مناسب باشد. با وجود این، برخی ویژگی‌های بنیادی برای شاخص‌های پایداری وجود دارد که همه جوامع در آن هم‌نظرند و باید آنها در سیاست‌ها و برنامه‌های خود اعمال نمایند (Maclaren 1996, p. 186).

* برابری جغرافیایی geographical equality اصطلاحی است که برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ توسط هانتون Houghton و هانتون Hunter ابداع شده تا بر نامطلوب بودن دست‌یابی به رشد اقتصادی یا کیفیتی بهتر از زندگی در یک جامعه به قیمت تخریب محیط زیست در جامعه‌ای دیگر تأکید کند. آن‌ها معتقدند این شکل از توسعه غیر عادلانه است مگر این‌که برخی جوامع را با جریان تخریب بین جوامع انجام شود.



شکل ۲ شهرهای پایدار با ورودی و خروجی کمتر و بازیافت بیشتر
(مأخذ، ترنر ۱۳۷۶، ص ۱۸۱)

شهر پایدار sustainable city

شهری است که به دلیل استفاده اقتصادی از منابع، اجتناب از تولید بیش از حد ضایعات، و بازیافت آن‌ها تا حد امکان، و پذیرش سیاست‌های مفید در درازمدت، قادر به ادامه حیات خود باشد. شهر پایدار در مقابل شهرهای نوگرا با مشخصات، وجود حجم زیاد ورودی در مقابل حجم زیاد خروجی است. برنامه ریزان شهر پایدار باید هدفشان را بر ایجاد شهرهایی با ورودی کمتر انرژی و مصالح، و خروجی کمتر ضایعات و آلودگی متمرکز کنند (شکل ۲) (ترنر ۱۳۷۶، ص. ۱۸۰). به نظر بحرینی، شهر پایدار جانشینی موجه و معقول برای شهرسازی مخرب قرن بیستم است و در آن به موازات توجه به مسائل زیست محیطی، به مسائل اجتماعی و انسانی، نظیر مسکن مناسب و زندگی حداقل نیز توجه می‌شود (بحرینی ۱۳۷۶، صص ۲۸-۳۹). شهر پایدار فقط شهر تمیز نیست، بلکه همچنین شهری است که انسان می‌تواند در آن درآمدی عادلانه به دست آورد، سرپناه مناسب تهیه کند، احساس راحتی کند و تلاش و

وقت خود را وقف حفاظت از تصویر شهر نماید. ساخت یک اقتصاد شهری قوی، و شهری قابل زندگی از نظر زیست محیطی، باید با تلاش‌هایی با هدف حفظ گروه‌های اجتماعی موجود و ارائه اشکال نوین اداره شهر و کنترل آن، همگام شود تا همبستگی و انسجام اجتماعی محفوظ بماند (Mukomoo 1996, p. 266).

شهر سالم healthy city

این مفهوم اولین بار در کنفرانسی در کانادا با عنوان "آن سوی خدمات اولیه بهداشتی" عنوان گردید. در آن‌جا مقاله‌ای با عنوان شهر سالم خوانده شد که اولین جرعه برنامه شهر سالم به حساب می‌آید. دو سال بعد، از سوی سازمان بهداشت جهانی این موضوع به صورت جنبشی جهانی مطرح گردید. هدف طرح شهر سالم ایجاد نیروی محرکه‌ای برای تأمین بهداشت و رفع مشکلات محیطی شهرها است (سلیمان منش ۱۳۷۱، ص ۳۰). به عقیده بحرینی، شهر سالم شهری است که در درجه اول، امکانات زندگی را برای انسان، حیوان و گیاه فراهم کند. به عبارت دیگر، شهر سالم باید شرایط بقا و حیات را دارا باشد (بحرینی ۱۳۷۱، ص ۹۱).

شهر سبز

بنا به تعریفی که سازمان حفاظت محیط زیست در همایش شهر سبز ارائه داده است، شهری است که مردم در آن نسبت به محیط زیست خود (هوا، آب، خاک، گیاهان، جانوران، و انسان‌ها) احساس مسئولیت می‌کنند و در مشارکت با نهادهای مدنی و سازمان‌های دولتی، محیطی سالم و آرام و پر نشاط با حداقل استانداردهای زیست محیطی، به وجود می‌آورند. در این شهر سرانه فضای سبز، آلودگی‌های دیداری و شنیداری در سطح قابل قبول، و سرانه تولید زباله کمترین است و بهترین شکل بازیافت مواد به همراه جدا سازی آن از مبدأ وجود دارد. همچنین مصرف انرژی و مواد در آن بهینه و نزدیک به استانداردهای جهانی است (همایش شهر سبز، سازمان حفاظت محیط زیست ۱۳۷۸).

توسعه پایدار شهری

تمام مفاهیم بالا در ادبیات رویکرد توسعه پایدار در نواحی شهری هستند ولی مفهوم اصلی توسعه پایدار شهری است که پیتتر هال Peter Hall آن را چنین تعریف کرده است: "شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند" (Hall 1993, p. 22). از نظر کالبدی، توسعه پایدار شهری یعنی، تغییراتی که در کاربری زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت، و غذا، به عمل می‌آید تا در طول زمان شهر را از نظر زیست محیطی قابل سکونت و زندگی (هوای پاک، آب آشامیدنی سالم، اراضی و آب‌های سطحی و زیرزمینی بدون آلودگی و غیره)، از نظر اقتصادی با دوام (اقتصاد شهری هماهنگ با تغییرات فنی و صنعتی جهت حفظ مشاغل پایه‌ای و تأمین مسکن مناسب و در حد استطاعت ساکنان، با بار مالیاتی سرانه عادلانه)، و از نظر اجتماعی همبسته (الگوهای کاربری اراضی همبستگی اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به میراث‌های شهر را ارتقا خواهد داد) نگه دارد (Mukomo 1996, p. 266). بنابراین ارزیابی گسترش شهری، ناشی از چنین توسعه‌ای، باید اصول توسعه پایدار را در تمام مناطق و حوزه‌ها و محلات، نشان دهد و نماگرهای کل شهر یا برخی ابعاد و بخش‌ها نمی‌تواند ارزیابی از کلیت نظام توسعه پایدار باشد.

شهر اکولوژیک eco-city

غلبه دیدگاه‌های زیست محیطی و اکولوژیکی در ادبیات مربوط به توسعه پایدار، مفهوم شهر اکولوژیک یا بوم شهر را در مباحث نظیر برنامه ریزی شهری و توسعه اقتصادی، و نیز عدالت اجتماعی وارد کرده و در ادبیات مربوطه به عنوان مبنای نظری تمام مفاهیم مطرح در قسمت‌های قبل، آورده شده است. گرچه شهر اکولوژیک مفهوم نسبتاً جدیدی است، لیکن بنیان آن بر مفاهیمی است که پیشینه طولانی دارند (Roseland 1997, p. 197).

اکولوژی شهری منشأ شهر اکولوژیک. در ۱۹۷۵ ریچارد ریجستر R.Register و چند دوست در برکلی و کالیفرنیا، اکولوژی شهری را به عنوان یکی از سازمان‌های غیر انتفاعی برای "بازساخت شهرها در تعادل با طبیعت" بنیان نهادند. از آن به بعد این سازمان با دیگر سازمان‌ها در برکلی

مشارکت کرد تا یک خیابان آرام را بسازند، بخشی از یک نهر آب را که ۸۰ سال پیش پوشانده و دفن گردیده بود، احیا کنند، درختان میوه را در خیابان‌ها بکارند و از آن‌ها برداشت نمایند، گلخانه‌های خورشیدی طراحی و اجرا کنند، احکامی در خصوص انرژی تصویب کنند، یک خط اتوبوس عمومی ایجاد نمایند، دوچرخه سواری و پیاده‌روی را به‌جای استفاده از خودروهای شخصی ترویج کنند، ساخت یک آزاد راه محلی را به تأخیر اندازند یا احتمالاً متوقف کنند و کنفرانس‌هایی در این زمینه‌ها و دیگر موضوعات وابسته برپا نمایند.

فعالیت اکولوژی شهری در آغاز با انتشار مجله سازمان به نام اکولوژیست شهری Urban Ecologist و کتاب "شهر اکولوژیک برکلی eco-city Berkeley" تالیف ریجستر (۱۹۸۷)، کتابی رویایی در باره چگونگی امکان بازساخت اکولوژیک شهر برکلی طی دهه‌های آینده، همراه بود. زمانی که اکولوژی شهری اولین کنفرانس بین‌المللی شهر اکولوژیک را به سال ۱۹۹۰ در برکلی سازمان داد، فعالیت اش شتاب زیادی گرفت. این کنفرانس بیش از ۷۰۰ نفر را از نقاط مختلف جهان گرد هم آورد تا مسایل شهری را مورد بحث قرار دهند و پیشنهادهایی با هدف شکل‌گیری شهرها براساس اصول اکولوژیک ارائه نمایند. از جمله نتایج کنفرانس اول، برگزاری دومین کنفرانس بین‌المللی شهر اکولوژیک (آدلاید Adelaide، استرالیا، ۱۹۹۲) و سومین کنفرانس بین‌المللی شهر اکولوژیک (یوف Yoff، سنگال، ۱۹۹۶) بود.

قبل از درمین کنفرانس، دیوید انگویچت David Engwicht، یکی از فعالان اجتماعی استرالیایی، کتاب "به سوی یک شهر اکولوژیک" (۱۹۹۲) را منتشر کرد که بعدها در آمریکای شمالی تحت عنوان "احیا و مرمت شهرهای کوچک و بزرگ‌مان" تجدید چاپ شد. در آن کتاب انگویچت توضیح می‌دهد که چگونه برنامه‌ریزان شهری و مهندسان، با ساخت خیابان‌های بیشتر، حذف محل‌های دادوستد سنتی شهرها و قراردادن آن‌ها در محل‌های سرپوشیده و متمرکز، از درون فروپاشیدن جامعه و افزایش تلفات ترافیک، واقعاً مبادلات انسانی مؤثر را حذف کرده‌اند. یک شهر از نظر انگویچت "طرح و ساختی برای به حداکثر رساندن مبادلات و حداقل رساندن مسافرت‌ها" است. به این بیان، او مبادلات از همه نوع را در نظر دارد: کالا، پول، ایده‌ها، شور و عاطفه و اطلاعات وراثتی. او از شهرهای اکولوژیک جانبداری می‌کند، جایی که مردم می‌توانند پیاده، با دوچرخه و وسایل نقلیه عمومی حرکت کنند و آزادانه و بدون هراس از

ترافیک سنگین و آلودگی هوا، باهم ارتباط داشته باشند (Roseland 1997, p. 197).

اکولوژی شهری با بیش از ۲۰ سال سابقه بیان می‌دارد که رسالتش خلق شهرهای اکولوژیکی است که از ده اصل ذیل پیروی می‌کنند (Roseland 1997, pp. 197-198):

۱- بازنگری اولویت‌های کاربری اراضی به منظور ایجاد جوامع فشرده، متنوع، سبز، سالم، باصفا و با کاربری‌های مختلط حیاتی نزدیک‌گره‌های ارتباطی و سایر تسهیلات حمل و نقل؛
 ۲- بازنگری اولویت‌های حمل و نقل جهت توجه به پیاده‌روی، دوچرخه سواری، آرابه سواری، وسایل حمل و نقل عمومی به جای خودروهای شخصی، و تأکید بر دسترسی نزدیک؛
 ۳- احیای محیط‌های شهری صدمه دیده، به خصوص خورها، خطوط ساحلی، کوهستانها و مرداب‌ها،

۴- ایجاد مسکن شایسته، ارزان، امن، راحت، و از نظر نژادی و اقتصادی مختلط؛

۵- بارور ساختن عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های بهتر برای زنان، افراد رنگین پوست و ناتوان؛

۶- حمایت از کشاورزی محلی، طرح‌های ایجاد فضای سبز شهری و باغ‌شهرها؛

۷- ترویج بازیافت، فناوری مناسب جدید و حفاظت از منابع و همزمان کاهش آلودگی و پسمانده‌های خطرناک؛

۸- همکاری با شرکت‌های تجاری جهت حمایت از فعالیت‌های اقتصادی با ملاحظات

اکولوژیکی، و همزمان، عدم تشویق آلودگی، پسمانده‌ها و استفاده و تولید مواد خطرناک؛

۹- ترویج ساده زیستی داوطلبانه و تقییح مصرف بی‌اندازه کالاهای مادی؛

۱۰- بالابردن آگاهی‌های زیست محیطی از طریق آموزش فعالان و طرح‌های آموزشی که آگاهی عموم را دربارهٔ مباحث پایداری اکولوژیکی افزایش می‌دهند.

ماهیت در حال تغییر شهری و توسعه

تغییرات سریع مؤثر بر توسعه و شهرنشینی، هر دو، کاملاً شناخته شده و مستند هستند ولی به عقیدهٔ دراکاکیس - اسمیت، ماهیت رابطهٔ آنها اغلب بیش از آنکه واقعی باشد فرضی است. بنا بر استدلال اول، همبستگی ساده و مثبت بین سطوح شهرنشینی و توسعه برای اکثر

استراتژیست‌های توسعه و برنامه ریزان کشورها کافی است تا نسبت به رشد اقتصادی با بنیان شهری، به‌عنوان مسیری به‌سوی توسعه، خوش‌بین باشند (Drakakis-Smith 1996, p. VII).

حتی در دهه ۱۹۹۰ سازمان ملل و بانک جهانی، سیاست‌هایی عمده را پیشنهاد و منتشر کرده‌اند که اساس آنها رابطه مستقیم بین اقتصاد شهری و ملی است. در یکی از اسناد بانک جهانی آمده است: "این نیاز وجود دارد که به‌طور مشخص روابط بین اقتصاد شهری و شاخص‌های کلی اقتصاد، مورد تحقیق قرار گیرد، چون اولی نه تنها بر رشد اقتصادی اثر عمده می‌گذارد، بلکه بر ثبات اقتصاد کلان کشور نیز تأثیر می‌گذارد" (World Bank 1991, p. 76).

علی‌رغم این ارتباط، شواهد متضادی پیرامون طرز کار این رابطه وجود دارد. در واقع، اگر نرخ‌های رشد اقتصادی و شهرنشینی باهم مقایسه شوند، تصویر بسیار متفاوتی به‌دست می‌آید که در آن برخی از بالاترین نرخ‌های رشد شهری متعلق به برخی از فقیرترین کشورها هستند. بنابراین به‌طور مشخص، شهرنشینی نرخ سریع‌تری نسبت به رشد اقتصادی دارد و بالعکس؛ و این مسأله اثرات مهم و گسترده‌ای بر ماهیت شهرنشینی پایدار دارد. به‌ویژه، در این زمینه، شناسایی این موضوع دارای اهمیت زیادی است که نه فقط فرایندهای اقتصادی در طول زمان تکامل می‌یابند، بلکه به‌ویژه با ظهور ابرشهرها، شهرنشینی نیز خودش ماهیت خود را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تغییر می‌دهد (Drakakis-Smith 1996, p. VIII).

به‌نظر دراکاکیس-اسمیت، ظهور ابرشهرها mega-cities معمولاً در متن فرایندهای اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد، و به نقل از نظر داگلاس (Douglass ۱۹۹۵)، می‌نویسد: ابرشهرها پدیده‌ای در یک رشته تغییرات هستند که در نظم فضایی توسعه به‌وقوع پیوسته‌اند. این تغییرات شامل قطبی شدن polarisation توسعه ملی در مناطق کانونی، "مراکز"، توسعه‌های منطقه‌ای همراه با تغییر مرزها trans-border regional development و ظهور دالان‌های رشد growth corridors بین‌المللی هستند. فرایندهای ایجادکننده مناطق ابرشهری در این نظم جدید فضایی آشکارا با تغییرات اساسی در سطح جهانی ارتباط دارند؛ گرچه ماهیت هر فرایند بایستی همچنان در تاریخ، فرهنگ و سیاست محلی آن ریشه داشته باشد. به‌علاوه، وی با مراجعه به نظر مک‌گی (McGee ۱۹۹۵) سه نیروی کلی دارای اثر جمعی بر فرایند شهرنشینی را شناسایی می‌کند که

شهرنشینی شکل‌گیری آن‌ها را تشویق کرده است: جهانی شدن، انقلاب در مبادلات و تعامل‌ها، و تغییر ساختاری. از نظر دراکاکیس - اسمیت، هرکدام از این نیروها بر ماهیت پایداری در فرایند شهرنشینی اثر می‌گذارند.

جهانی شدن، به‌طور کامل با تقسیمات در حال تغییر منطقه‌ای و بین‌المللی در هم آمیخته است و مشخصه‌اش ظهور شهرهای جهانی و رشد رقابت شدید در سطح جهان و مناطق است. البته، این فرایندها ارتباط بسیار نزدیکی باهمدیگر برقرار می‌کنند و ابر شهرها از طریق کیفیت و کارایی محیط‌های مبادله و تعامل و ساخت آن‌ها، جهت جذب سرمایه‌گذاری‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند. هرچه خدمات و امکانات بیشتری ارائه نمایند این سرمایه‌گذاری‌ها متمرکزتر می‌شوند و بزرگترین شهرها، مراکز تجارت جهانی، مجتمع‌های ارتباطات از راه دور، دانشکده‌های بین‌المللی، فروشگاه‌های خرده‌فروشی معتبر و نظایر آن‌ها، را به تعداد بیشتر به دست می‌آورند. به طرق مختلف، این تغییرات وابسته به دومین گروه از عوامل تأثیرگذار، یعنی تغییر شکل مبادلات از نظر فضایی و زمانی، بوده‌اند.

تغییرات در مبادلات و تعامل‌ها، با نرخی یکسان به وقوع نمی‌پیوندد. اطلاعات، سرمایه و تصمیم‌گیری‌ها، همه می‌توانند به‌طور الکترونیکی منتقل شوند، ولی مردم، کالاها و خدمات هنوز باید به‌طور فیزیکی جابجا شوند و بیشتر مبادلات متقابل اطلاعات که روبه افزایش هستند، باید رودرو انجام شوند. فقط پول، ایده‌ها، مردم، کالا و خدمات نیستند که باید جابه‌جا شوند، بلکه انرژی، آب، فاضلاب و زیالیه‌ها نیز نیاز به جابه‌جایی دارند. همه این فرایندها برای ایجاد نواحی ابرشهری mega-urban regions در سراسر جهان سوم در تعامل با یکدیگر بوده‌اند. برخی از آنها طی چند دهه ایجاد شده‌اند؛ برخی دیگر نسبتاً جدید هستند ولی همه در شرایط زیست محیطی، فرهنگی و سیاسی خاص خودشان ظهور کرده‌اند و در نتیجه مشخصات یگانه‌ای را نشان می‌دهند (Drakakis-Smith 1996, p. VIII).

توسعه پایدار و دیدگاه برنامه‌ریزان در مورد شهر

بر اساس هدفهای اصلی توسعه پایدار و با توجه به اولویت‌های برنامه ریزان، کمپیل، الگوریتمی و جهت‌گیری می‌دهد و در آن به سه دیدگاه برنامه ریزان در خصوص شهر اشاره

می‌کند: دیدگاه اقتصادی، دیدگاه زیست محیطی، و دیدگاه عدالت حواهان‌ها. کمپبل به دیدگاه‌های مهم دیگر مثل معماری، روان‌شناختی و جریانی (حمل و نقلی) نیز که به تصورات محقق از برنامه‌ریزی بازمی‌گردد، معتقد است. (Campbell 1996, p. 297).

برنامه‌ریز توسعه اقتصادی economic development planner شهر را مکانی می‌بیند که در آن تولید، توزیع، مصرف و نوآوری صورت می‌گیرد. شهر در رقابت با دیگر شهرها برای بازارها و صنایع جدید است. فضا، فضای اقتصادی بزرگراه‌ها، نواحی بازار و مناطق آمد و شد است. با توجه به این دیدگاه شهر باید از نظر اقتصادی پایدار باشد بنابراین، منابع اقتصادی باید تداوم داشته باشند.

برنامه‌ریز زیست محیطی environmental planner شهر را مصرف‌کننده منابع و تولیدکننده زباله و فاضلاب در نظر دارد. شهر برای منابع کمیاب و زمین در رقابت با طبیعت است و همواره تهدیدی برای طبیعت به‌شمار می‌رود. فضا، فضای سبز، راه‌ها، حوضه‌های رودخانه‌ها و آشیان‌های اکولوژیکی است. بر اساس این دیدگاه، پایداری اکولوژیک و منابع طبیعی باید حفظ و تداوم داشته باشند.

برنامه‌ریز عدالت خواه equality planner شهر را محل تضاد و منازعه بر روی توزیع منابع، خدمات و فرصت‌ها می‌بیند. رقابت در خود شهر میان گروه‌های اجتماعی مختلف وجود دارد. فضا، فضای اجتماعی، اجتماعات محلی، سازمان‌های محلی، اتحادیه‌های کارگری، یا به عبارتی، فضای دسترسی و جدایی‌گزینی است. با این نگرش ضامن پایداری اجتماعی-اقتصادی، تداوم برابری و مساوات در جامعه است.

اولویت‌ها و تضادها در برنامه‌ریزی

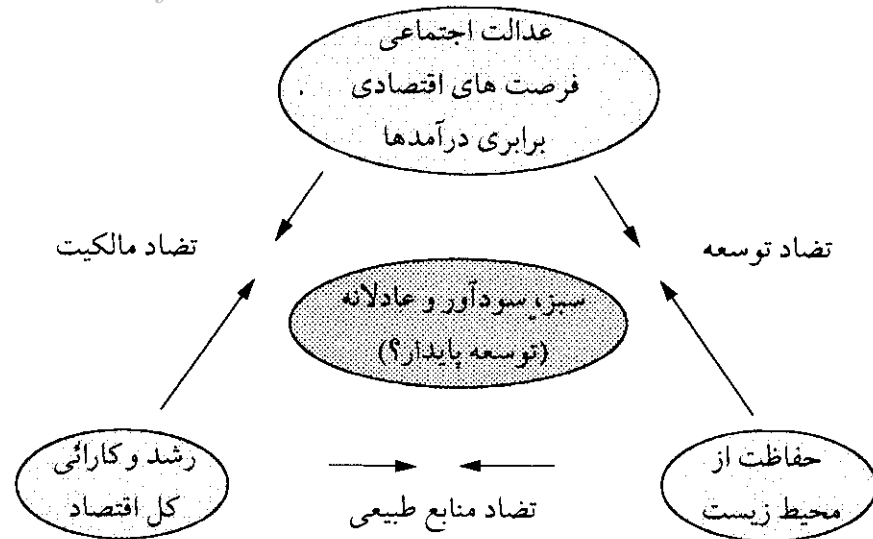
تمایل برنامه‌ریزان و مکاتب برنامه‌ریزی به محیط زیست ممکن است بیانگر آمادگی ذاتی آنها نسبت به حفظ محیط زیست طبیعی باشد، ولی خلاف این مطلب احتمالاً درست‌تر است و تمایل تاریخی آن‌ها برای ترویج توسعه شهرها به قیمت نابودی طبیعت بوده است: برای ساخت شهرها جنگل‌ها از بین رفته، رودخانه‌ها و هوا آلوده شده و کوهستان‌ها تسطیح گردیده‌اند. برنامه‌ریزی برای فضای سبز، بوستان‌ها و کمربندهای سبز نمی‌تواند نمود کاملی از داشتن تفکر

سبز باشد.

گرچه برنامه ریزان اغلب خود را مدافع فقرا و برابری اجتماعی-اقتصادی می‌دانند، عملکرد آنها طی تاریخ حرفه‌ای‌شان واقعیتی جز این را نشان می‌دهد. کوشش برنامه‌ریزان برای احیای مناطق مرکزی شهرها، برنامه‌ریزی آزادراه‌ها، حذف مکان‌های دودزا و دیگر راهبردهای توسعه اقتصادی، به آسانی، برنامه‌ریزی با سمت‌گیری عدالت‌طلبانه را نشان نمی‌دهد. در بهترین شکل، برنامه ریزان نمونه‌ای از تفکر بین اهداف رشد اقتصادی و عدالت اقتصادی را ارائه داده‌اند (Campbell 1996, p. 297).

در یک دنیای آرمانی، برنامه‌ریزان می‌کوشند تا به تعادلی از هر سه هدف دست یابند. هرچند در عمل موانع حرفه‌ای و مالی به شدت راه‌گریز اکثر برنامه‌ریزان را محدود کرده‌است (شکل ۳) خدمت به گروه بیشتری از مردم از طریق هماهنگی کلی نگرانه رشد، حفاظت از محیط زیست و برابری، آرمانی باقی می‌ماند، و علی‌رغم کوشش‌هایی که برای فعالیت در خارج آن محدودیت‌ها به‌کار می‌برند، واقعیت عمل، برنامه ریزان را به خدمت برای گروه معدودی از موکلانشان، یعنی، تنها اولیای امور و ادارات دولتی، محدود می‌کند. در نهایت برنامه‌ریزان معمولاً یک هدف خاص را ارائه می‌کنند.

سه نقطه در مثلث ارائه شده توسط کمپبل، نمایانگر علایق و دیدگاه‌های گوناگون برنامه‌ریزان است؛ بنابراین، به سه تضاد اساسی منجر می‌شود. اولین تضاد یعنی تضاد بین رشد اقتصادی و عدالت، از ادعاهای برابر در بهره‌گیری از به مالکیت، نظیر ادعای بین مدیر و کارگر، ملاکان بزرگ و اجاره‌داران، یا بین کارشناسان اصلاح وضع محلات و ساکنان قدیمی، ناشی می‌شود. تضاد بین رشد و عدالت وقتی پیچیدگی بیشتری پیدا می‌کند که هر طرف در همان حال که در مقابل دیگری مقاومت می‌کند، برای بقای خود به او نیاز دارد. تمایل متناقض در یک جامعه دموکراتیک سرمایه‌داری برای تعریف مالکیت (مثلاً مسکن و زمین) به عنوان یک کالای خصوصی، ولیکن در همان حال اتکای به مداخله دولت (مثلاً به صورت منطقه‌بندی یا مسکن عمومی برای طبقه کارگر) به جهت اطمینان از جنبه‌های اجتماعی مفید همان مالکیت، «تضاد مالکیت» property conflict نامیده می‌شود. با فرض ماهیت ذاتاً متناقض مالکیت، این تنش ایجاد می‌شود چون بخش خصوصی همزمان، در برابر مداخله اجتماعی مقاومت می‌کند و هم به آن



شکل ۳ مثلث اهداف متضاد برنامه‌ریزی و سه تضاد همراه آن
(مأخذ، Campbell 1996, p. 298).

نیاز دارد. در واقع اساس مالکیت در جامعه ما کشمکش میان این دو نیرو است. این تضاد، مرز بین نفع شخصی و منافع عمومی را تعیین می‌کند.

درست در همان زمان که بخش خصوصی هم در برابر قاعده‌مند کردن مالکیت مقاومت می‌کند در همان حال جهت حفظ جریان اقتصاد به آن نیاز دارد، جامعه نیز پیرامون اولویت‌هایش برای منابع طبیعی دچار تضاد است. سوداگران در برابر قواعد و آیین‌نامه‌های فعالیت‌های استخراجی آن‌ها در طبیعت مقاومت می‌کنند، لیکن در همان زمان به این قواعد جهت حفاظت از آن منابع برای تقاضاهای حال و آینده نیاز دارند. این را می‌توان «تضاد منابع طبیعی (resource conflict)» نامید. بنابراین، اساس مفهومی منابع طبیعی تنش بین سودمندی اقتصادی آنها در جامعه صنعتی و مطلوبیت اکولوژیکی آنها در محیط طبیعی است. این تضاد مرز بین قسمتهای ساخته شده شهر و نواحی دست نخورده طبیعی را تعیین می‌کند، که نماد آن «محدوده‌های شهر» است. این مرز، پویا و مورد رقابت بین نیروهای وابستگی دو طرفه است.

محور سوم در مثلث فوق، "تضاد توسعه development conflict" بین قطب های عدالت اجتماعی و محافظت از محیط زیست است. مباحث محیط زیست - عدالت با الحاق به بحث قدیم تر پیرامون رشد اقتصادی در برابر عدالت اهمیت می یابد که پر چالش ترین معمای توسعه پایدار می باشد. چگونه به طور همزمان عدالت اجتماعی را افزایش داده و از محیط زیست حفاظت کنیم. چگونه افراد وابسته به طبقات پایین جامعه از نظر درآمدی فرصت های اقتصادی بیشتری پیدا کنند، در حالی که احکام حفاظت از محیط زیست، رشد اقتصادی را کاهش دهند؟ جوامع شهری فقیر اغلب زیر فشار هستند تا انتخاب بدون برنده ای بین بقای اقتصادی و کیفیت زیست محیطی انجام دهند.

منابع و مأخذ

- ۱- بحرینی سیدحسین (۱۳۷۱): «شهرسازی در شهر سالم». مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم شهر سالم. تهران، اداره روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- بحرینی، سیدحسین، (۱۳۷۶): «شهرسازی و توسعه پایدار». ریافت، شماره هفدهم، صص ۲۸۳۹.
- ۳- ترنر، تام (۱۳۷۶): شهر همچون چشم انداز؛ نگرشی فراتر از فرانتوگرایی به طراحی و برنامه ریزی شهری. ترجمه فرشاد نوریان، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۴- رابینوویچ، هوناس (۱۳۷۵): «کوری چیبا؛ نمونه ای از توسعه شهری پایدار»، ترجمه و تلخیص جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست، نظریه معماری و شهرسازی، دوره ششم، شماره های ۳ و ۴، صص ۱۱۰-۱۰۵.
- ۵- سازمان حفاظت محیط زیست (۱۳۷۸): همایش شهر سبز. مهرماه ۱۳۷۸، تهران.
- ۶- سلمان منش، حسن (۱۳۷۱): «سابقه بهداشت برای همه و شهر سالم»، مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم شهر سالم، تهران، اداره روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران، ۱۳۷۰.
- ۷- شکویی، حسین (۱۳۷۳): دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، ج ۱، تهران، سمت.
- ۸- صرافی، مظفر (۱۳۷۵): «توسعه پایدار و مسئولیت برنامه ریزان شهری»، معماری و شهرسازی، شماره ۳۵، صص ۳۹-۴۵.
- ۹- گیلبرت، آلن - گالگر، ژوزف (۱۳۷۵): شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم. ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران، اداره کل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران.
- ۱۰- موسی کاظمی محمدی، سیدمهدی (۱۳۷۸): «ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری؛ پژوهش موردی شهر قم» [رساله منتشر نشده دوره دکتری به راهنمایی دکتر حسین شکویی، دانشگاه تربیت مدرس].
- 11 - Barrow C. J. (1995): «Sustainable development; concept, value and practice», *Third World Planning Review*, 17 (4): 369-386.
- 12 - Campbell, S. (1996): «Green cities, growing cities, just cities? Urban planning and the contradiction of sustainable development», *Journal of the American Planning Association*, Vol. 62, (3) pp.

296-312.

13 - Crane, R. and Daniere A.(1996): «Measuring access to basic services in global cities: descriptive and behavioral approaches», *Journal of the American Planning Association*, Vol. 62.(2) pp. 203-221.

14 - Drakakis-Smith, D. (1996): «Sustainability, urbanization and development», *Third World Planning Review*, 18(4), pp. III-V.

15 - Drakakis-Smith, D. (1997): «Sustainable urbanization in Vietnam», *Geoforum*, 28(1), pp. 21-38.

16 - Flood, J.(1997): «Urban and housing indicators», *Urban Studies*, 34(10) pp. 1635-1665.

17 - Girard, Luigi Fuseco. (1996): «Institutional dimention of urban sustainability southern Italy», *30th. Congress of the European Regional Science Association, Zurich*.

18 - Hall, P. (1993): «Toward sustainable, liveable and innovative cities for 21st. century», «In Proceedings of the Third Conference of the World Capitals, Tokyo, pp. 22-28.

19 - Kumar, R.; Manning, E.; Murck, B. (1993): *The challeng of sustainability*, Foundation for International Training, Ontario, Canada.

20 - Leitmann Josef (1994): «The World Bank and the Brown Agenda: Evolution of a Revolution», *Third World Planning Review*, 16(2), pp. 117- 127.

21 - Maclaren, V. (1996): «Urban sustainability reporting», *Journal of the American Planning Association*, 62(2) pp.183 -184.

22 - Mukomo, S. (1996): «On sustainable urban development in sub-Saharan Africa», *Cities*, 13(40), pp. 265-271.

23 - Register, Richard (1993): «Rebuilding Our Cities: The Missing Insight», *Pernaculture Activist*, 9, p. 1.

24 - Roseland, M. (1997): «Dimension of the eco-city», *Cities*, 14(4), pp. 197- 202.

25 - Solow, R. M. (1996): «Intergenerational equity, yes- but what about inequality today?», *Human Development Report*. York New, UNDP.

26 - United Nations (1996): *Report of the United Nations Conference on Human Settlements*, «The Habitat Agenda, Sustainable Human Settlements», pp. 24-27.

27 - World Bank (1991): «Urban policy and Economic Development: An Agenda for 1995s», Washington D.C. World Bank.